

کومه له و راه حل آمریکایی مسئله کرد

پاسخی کوتاه به محمد قادری

رضا مقدم - دوم فوریه ۲۰۰۹

محمد قادری در مطلبی به نام "حمله به جنبش انقلابی کردستان، در پوشش نقد سولیداریتی سنتر" (۲۹ ژانویه، سایت پیام)، و تحت لوای دلسوزی و حمایت از کومه له، مواضع این سازمان را علیه راه حل آمریکایی مسئله کرد دچار شک و شبهه کرده است و البته در قالب انتقاد به سخنرانی من.

محمد قادری از سخنرانی من "درباره مرکز همبستگی آمریکا و هیاهوی حکمتیستها" (۱۷ ژانویه، سایت اتحاد سوسیالیستی کارگری) نقل قول آورده است که: "توجه کنید در صورتیکه این اتفاق در داخل جنبش کردستان هم روی داد. مهدی یکی از برادران عبدالله مهدی (که اینجا منظور برادر بزرگتر عبدالله مهدی است) یک تبیینی به دست داد. یک تبیین کاملاً سیاسی، به این صورت که اگر آمریکا تا حال مخالف حق ملتها برای خودمختاری، دولت واحد و غیره بوده است بدین خاطر بوده که در دوران اتحاد شوروی سابق این جنبشها به جریانات سوسیالیستی نزدیکی داشته اند. اگر آمریکا مخالفت می کرد با جنبشهایی که ماهیت ملی و خواستهای ملی داشتند بخاطر ماجرای شوروی بود. الان که ماجرای شوروی تمام شده و جنگ سردی در کار نیست آمریکا برخوردش به مسائل ملی و این جنبشها فرق کرده است. به این اعتبار آمریکا می تواند متحد جنبشهای ملی باشد، از جمله آن که راجع به جنبش کردستان حرف می زند بطور مشخص می تواند متحدش باشد و می تواند ازش کمک بگیرد. این یک تبیین سیاسی دارد." وی در ادامه به نقل قول دیگری از سخنرانی من استناد می کند مبنی بر اینکه "یک عده رفتند و جنبش کردستان را فروختند به آمریکائیا، این در جنبش کارگری ایران اتفاق نخواهد افتاد." و از این دو نقل قول چنین نتیجه گیری می کند:

"به نظر من آوردن این مثال در میان چنین بحثی آگاهانه و از روی عمد و ... غیر مستقیم حمله به کومه له است و ادامه می دهد که "رضا مقدم می بایست توضیح می داد که منظورش از اینکه یک عده ای رفتند جنبش کردستان را فروختند به آمریکائیا چیست؟"

توضیح من در قبال نکته گیری آقای قادری کوتاه است: احزاب و جریانات طرفدار راه حل آمریکایی مسئله کرد، در سه بخش کردستان در عراق و ایران و ترکیه، برای آگاهان سیاسی حتی در سطح جهان ناشناخته نیستند، و برای فعالان سیاسی در منطقه و ایران دیگر کاملاً شناخته شده اند. نیازی نیست تا هر بار لیست نام آنها را بعنوان افشاگری بیان کرد، چرا که از هر چه گذشته این جریانات قصد پنهان کردن مواضعشان را ندارند و از مواضعشان علنی دفاع می کنند. به این اعتبار نکته گیری آقای قادری تنها ایجاد شک و شبهه نسبت به مواضع کومه له علیه راه حل آمریکایی مسئله کرد است و البته به دست خود و تحت لوای حمایت و دلسوزی از کومه له!

تا آنجا که به نظر شخص من در باره موضع کومه له نسبت به راه حل امریکایی مسئله کرد بر می گردد، همانست که در مصوبه سازمانی ما («خط مشی سوسیالیسم کارگری») بیش از پنج سال پیش بیان شده است، و برای یادآوری به آقای قادری در انتهای همین یادداشت بخش مربوطه را ضمیمه می کنم. اینکه در پنج شش سال گذشته تلاش برای ایجاد یک صف قدرتمند از مخالفان راه حل امریکایی مسئله کرد را تا چه میزان می توان در کارنامه کومه له دید بحث دیگری است، اما در مخالفت کومه له با راه حل امریکایی مسئله کرد جای شکی نیست. با دست خودتان و تحت لوای دفاع از کومه له درباره آن شک و شبهه درست نکنید. نوشته محمد قادری در بهترین حالت یک "دوستی خاله خرسه" برای کومه له است.

ضمیمه: بخشی از «خط مشی سوسیالیسم کارگری»، بیانیه سومین کنفرانس سراسری اتحاد سوسیالیستی کارگری، مرداد ۱۳۸۲ _ اوت ۲۰۰۳. به نقل از نشریه بارو شماره ۱۹ و ۲۰، شهریور و مهر ۱۳۸۲ - سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۳.

۳ - خط مشی سوسیالیستی در شرایط حاضر

... يك جنبش اجتماعی عمده در صحنه ایران جنبش خلق کرد است. تاریخا جنبش ملی کرد چه در سطح ایران و چه در سطح منطقه يك جنبش انقلابی و متحد عینی طبقه کارگر در مبارزه علیه رژیمهای دیکتاتوری و ارتجاعی حاکم بوده است. با اشغال عراق و عملکرد احزاب ناسیونالیست کرد در عراق، اکنون جنبش ملی کرد در سطح کشورهای منطقه در موقعیت خطیری قرار گرفته است، و این خطر کاملا محتمل است که عملکرد ناسیونالیسم کرد در عراق در خدمتگذاری به اهداف امپریالیستی بدل به پراتیک مسلط در جنبشهای ملی کرد در سایر کشورهای منطقه گردد. این امر برای جنبش خلق کرد در ایران، و به تبع آن برای چشم انداز انقلاب در ایران، پیامدهای مهمی دارد.

اشغال عراق توسط امریکا حضور نیروهای مسلح پیشمرگ احزاب کرد ایران در خاک کردستان عراق را در شرایط کشوری و بین المللی کاملا متفاوتی قرار داد. ناسیونالیسم و سوسیالیسم در جنبش کردستان در برابر این وضعیت دو واکنش کاملا سیاسی و طبقاتی متفاوت نشان میدهند. افق و استراتژی ناسیونالیسم سنتی کرد، مبنی بر اتکا به مبارزه نظامی پیشمرگان و مذاکره با دولت مرکزی، تیروتار شد. حزب سنتی ناسیونالیست کرد، حزب دموکرات کردستان ایران، راه برون رفت از این بن بست استراتژیک را با چرخش به رابطه با امریکا و قرار دادن خود در متن سیاستهای امپریالیستی امریکا دنبال میکند. (سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران نیز، که سه سال پیش متعاقب يك انشعاب راست از کومه له شکل گرفت، اکنون برای تطبیق خود با

سیاستهای امپریالیستی آمریکا در منطقه تلاش میکند.) در قبال این وضعیت جدید برای جنبش خلق کرد، مثنی سوسیالیستی را کومله نمایندگی میکند که اعلام کرده است که قرار گرفتن زیر چتر حمایتی آمریکا در کردستان عراق و فعالیت در راستای سیاستهای امپریالیستی آمریکا، به بهانه حفظ ادامه کاری نیروی پیشمرگ نه فقط با پرنسپهای سوسیالیستی در تضاد است، بلکه با منافع جنبش حق طلبانه خلق کرد نیز مغایر است. استراتژی سوسیالیستها در این جنبش کماکان بر مبنای تعقیب خواستهای دموکراتیک ملی کرد از طریق اتحاد با مبارزه طبقه کارگر برای یک انقلاب سراسری علیه رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داری ایران قرار دارد.

از نظر سوسیالیستها، استراتژی ناسیونالیسم سنتی کرد، مستقل از درستی یا نادرستی تشخیص آنها از سیاستهای آمریکا، به سبب نفس همراهی با سیاستهای امپریالیستی آمریکا محکوم است. از نظر پرنسپ، روشن است که اشکال مختلف برای رفع ستم ملی از مردم کرد، تا حد یک دولت مستقل کرد، میتواند کاملاً مورد پذیرش مارکسیستها باشد؛ اما خدمت به سیاستهای امپریالیستی به منظور گرفتن امتیازی در این جهت محکوم است. چرا که حتی ایجاد دولت کرد در منطقه که فرمانبردار آمریکا باشد، بر فرض که سیاست آمریکا بر چنین امری قرار می‌گرفت، چیزی جز یک اسرائیل دوم در منطقه نیست. تشکیل چنین دولتی خواستهای دموکراتیک توده زحمتکش کرد را برآورده نمیسازد، علیه منافع کارگران و زحمتکشان کشورهای منطقه است، و مورد پذیرش هیچ سوسیالیستی، حتی به بهانه تحقق "حق تعیین سرنوشت"، نمیتواند باشد.

از نظر عملی، استراتژی امپریالیستی ناسیونالیستها کرد تماماً واهی است. تجربه مشابه ناسیونالیستها در عراق تا همینجا نشان داده که سیاست آمریکا برآورده ساختن حقوق ملی کرد نیست. در عرصه دیپلماسی نیز قرار گرفتن ناسیونالیسم کرد در کنار امپریالیسم آمریکا برگ برنده ای در دست ناسیونالیستها در مذاکره با جمهوری اسلامی نیست، بلکه برگ دیگری در دست آمریکا در اعمال فشار بر جمهوری اسلامی در پروسه همگرایی اسلام و امپریالیسم در منطقه است.

بنابراین، علیرغم قرار گرفتن در کنار قویترین قدرت نظامی جهان، ناسیونالیسم سنتی کرد در شرایط جدید رو به افول دارد. اما این امر به معنای اتمام حضور ناسیونالیسم در جنبش خلق کرد نیست و تلاش برای بازسازی ناسیونالیسم ادامه خواهد یافت. در این میان بازسازی ناسیونالیسم جدید در شکل ناسیونالیسم لیبرالی شانس بیشتری دارد. اگر ناسیونالیسم سنتی کرد با قرار گرفتن در کنار آمریکا موقعیتی مشابه اپوزیسیون سلطنت طلب یافته است، ناسیونالیسم لیبرالی کرد موقعیتی مشابه اپوزیسیون مرکز خواهد داشت. مشخصه ناسیونالیسم لیبرالی بیش از هر چیز تخطئه راه انقلابی به بهانه بن بست استراتژیک مبارزه پیشمرگایتی ناسیونالیسم سنتی خواهد بود. ایران خواه سیاسی ناسیونالیسم لیبرالی کرد در قبال دولت مرکزی مشابه پلاتفرم اپوزیسیون لیبرالی ایران خواهد بود، یعنی شیوه های مسالمت آمیز برای مشارکت بورژوازی کرد در قدرت مرکزی را دنبال خواهد کرد، و بعلاوه مطالبات جنبش خلق کرد را از عرصه سیاست به مطالبات در عرصه فرهنگی انتقال خواهد داد. این امر با منافع بورژوازی جوان کردستان نیز همخوان است.

در این وضعیت، علاوه بر مقابله با استراتژی امپریالیستی ناسیونالیسم سنتی کرد، که خود بهر حال رو به افول دارد، پیشبرد استراتژی سوسیالیستها برای جنبش انقلابی کردستان بخصوص در گرو مقابله با استراتژی ناسیونالیسم لیبرالی جدید کرد است."